

هر روز به سوی تومی آیم

نوشته: جی. پی. وسوانی

ترجمه: فریبا مقدم



نشر دایره

چه اعجاب‌انگیز است عظمت پروردگار! چه دلنشین است

آوایی که ناجی من درهم شکسته شد!

روزگاری گمگشته بودم، اکنون خود را باز یافته‌ام؛

روزگاری نابینا بودم، اکنون دیدگانم پرفروغ است.

شکوه تو به قلب من ترس را آموخت.

و شکوه تو ترسهایم را از من دور کرد؛

چه گرمی بود لحظه‌ای که شکوه تو عیان شد،

لحظه‌ای که همان نخستین بار باورش کردم.

از میان خطرهای بی‌شمار، مشقتها و دام‌های گسترده عبور

کردم.

رحمت تو در این فراز و نشیبها مرا حامی بود،

و رحمت توست که مرا به‌خانه راهبر خواهد بود.

و آن‌گاه پس از ده هزار سال اقامت در زمین،

درخشنده و پرنور همچون خورشید،

برای سردادن سرود نیایش پروردگار،

بیش از روزهای آغازین عطش خواهم داشت.

روز را با خدا آغاز کنیم

شاید هر روز با چند نفر ملاقات داشته باشید. اما هیچگاه

ملاقات خود با خداوند را فراموش نکنید. هر روز دعا کنید:

«خدایا! مرا راهنمایی کن، متبرک ساز، بکارگیر. مرا در این

دنیای رنج و درد، وسیله‌ای برای یاری و بهبود جهان ساز.»

هر روز در پگاه بیدار شوید. سعی کنید در زمانی معین و

مکانی ثابت بنشینید. زیرا این کار وعده ملاقات با خداست

- و تفکر معنوی خود را آغاز کنید فشار کارهای روزمره

هراندازه هم زیاد باشد، لیک هیچگاه وعده روزانه خود را با

خدا فراموش نکنید. با عشقی عمیق و میلی قلبی زمان ارتباط

روزانه‌تان با خدا را انتظار بکشید. دعاها را بدون عشق

کم‌عمق و تهی هستند؛ ما را به ژرفای درون نمی‌برند. در آن

اعماق درون، خدا منتظر ماست. در آنجا «او» با خشنودی با

ما سخن می‌گوید و حضور مبارکش را بر ما متجلی می‌سازد.